

درک چرخه بازارهای مالی می تواند کمک به سزایی در مسیر سودآوری به هر معامله گری بکند. ما در آموزش پرایس اکشن به کرات راجع به چرخه بازارهای مالی و انتخاب استراتژی درست متناسب با وضعیت چرخه داشته ایم. همانطور که هر سرمایه گذار باتجربه ای می تواند تأیید کند، بازار مالی یک موجودیت پیچیده و پویا دارد که توسط عوامل متعددی از رویدادهای ژئوپلیتیکی تا تغییرات در امساعات مصرف کننده شکل گرفته است. در این اکوسیستم پیچیده، یکی از مفاهیم اساسی که سرمایه گذاران باید درک کنند، چرخه بازار است. یک توالی تکرار شونده از رشد و انقباض در یک بازار یا اقتصاد. چرخه های بازار یک چارچوب زمینه ای برای کمک به سرمایه گذاران برای درک پیشم انداز مالی در مال تغییر و پیش بینی تغییرات بالقوه در بازار فراهم می کند. در نتیجه، درک این چرخه ها برای اتفاد تصمیمات سرمایه گذاری آگاهانه بسیار مهم است.

چرخه بازارهای مالی در هسته فود بازتابی از روانشناسی جمعی سرمایه گذاران و معامله گران است که بین دو حالت افراطی ترس و طمع، فوش بینی و بدبینی در نوسان است. درست همانطور که فصول در بهار، تابستان، پاییز و زمستان می چرخند، بازار در دوره های انباشت، نشانه گذاری، توزیع و کاهش قیمت تغییر می کند. این چرخه ها فود را در نوسان قیمت ها، تغییرات مجم و سطوح مختلف نوسانات نشان می دهند. اهمیت درک این چرخه ها نه تنها در توانایی شناسایی جایگاه ما در چرخه فعلی بلکه در آینده نگری برای آماده شدن برای مرحله بعدی است که امکان تصمیم گیری استراتژیک در مدیریت پورتفولیو را فراهم می کند. بخش های بعدی به تفصیل به بررسی این مفاهیم می پردازند و اهمیت چرخه های بازار در بازار مالی را برجسته می کنند.

### شناخت چرخه بازارهای مالی ( چرخه های بازار فارکس)

چرخه های بازار که به عنوان چرخه های تجاری یا اقتصادی نیز شناخته می شوند، الگوهایی از گسترش و انقباض در یک اقتصاد یا یک بازار هستند. آنها روشی سیستماتیک برای درک چگونگی حرکت اقتصاد در دوره های رشد و کاهش در طول زمان ارائه می دهند. این تغییرات چرخه ای توسط بسیاری از عوامل به هم پیوسته هدایت می شوند، از جمله، اما نه محدود به، نرخ بهره، تورم، ثبات سیاسی، نوآوری های تکنولوژیکی، و امساعات سرمایه گذار.

در هسته فود، چرخه بازارهای مالی از چهار مرحله اصلی تشکیل شده است: انباشت، نشانه گذاری، توزیع و کاهش ارزش.

فاز انباشت: این مرحله با سرمایه گذاران آگاه یا «پول هوشمند» مشخص می شود که شروع به سرمایه گذاری در یک بازار کم ارزش می کنند. امساعات بازار معمولاً بدبینانه است و قیمت ها در پایین هستند و پتانسیل سود در دراز مدت ایجاد می کند.

فاز نشانه گذاری (یا روند صعودی): با شروع علائم بهبودی در بازار، سرمایه گذاران بیشتری شروع به خرید می کنند که منجر به افزایش قیمت ها می شود. این به طور کلی طولانی ترین مرحله است که با فوش بینی فزاینده و افزایش مشارکت سرمایه گذاران فرد مشخص می شود.

فاز توزیع: در این مرحله بازار به اوج خود می رسد. سرمایه گذاران آگاه شروع به فروش یا "توزیع" دارایی های خود به شرکت کنندگان کم اطلاع می کنند. امساعات بازار بیش از حد فوش بینانه است که اغلب منجر به افزایش قیمت ها می شود.

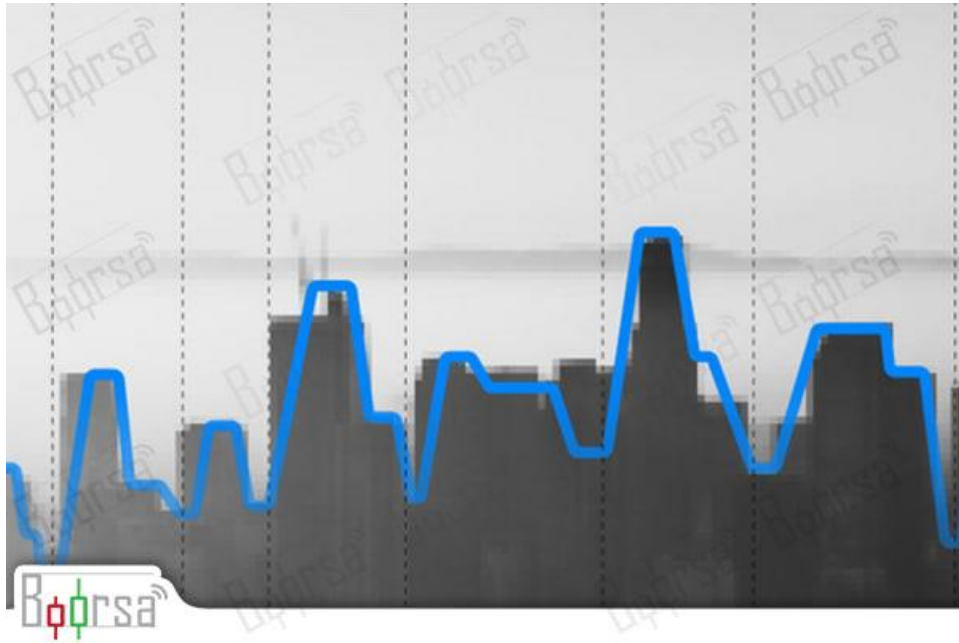
فاز کاهش (یا روند نزولی): این مرحله با افزایش فشار فروش، با کاهش عمومی قیمت ها مشخص می شود. امساعات بازار بدبینانه می شود و بسیاری از سرمایه گذاران از بازار خارج می شوند. قیمت ها تا زمانی که به نقطه ای برسند که کم ارزش تلقی شوند به کاهش ادامه می دهند و زمینه را برای مرحله انباشت بعدی فراهم می کند.

هر مرحله از چرخه بازار فرصت ها و چالش های منمصر به فردی را برای سرمایه گذاران ایجاد می کند. درک این چرخه ها می تواند به استراتژی و زمان بندی تصمیمات سرمایه گذاری کمک کند. با این حال، بسیار مهم است که به یاد داشته باشید که در حالی که چرخه های بازار به صورت تاریخی مشاهده شده اند، اما همیشه از یک الگوی قابل پیش بینی پیروی نمی کنند. تغییرات در عوامل خارجی، از جمله رویدادهای بی سابقه، می تواند به طور قابل توجهی بر این چرخه ها تأثیر بگذارد.

عواملی که در چرخه بازارهای مالی تأثیر می گذارند

مجموعه ای از عوامل بر چرخه های بازار تأثیر می گذارد. مهمترین آنها معمولاً عبارتند از:

شافلص های اقتصادی: اینها نشانه های میاتی سلامت کلی اقتصاد هستند. عواملی مانند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، سطح اشتغال، رشد دستمزد، نرخ تورم و هزینه مصرف کننده می توانند بر پرفه بازار تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، در طول دوره های رشد اقتصادی قوی، اغلب شاهد مرملة نشانه گذاری پرفه بازار هستیم، در حالی که انقباضات اقتصادی می تواند نشانه شروع مرملة کاهش قیمت باشد.



امساسات بازار و روانشناسی سرمایه گذار: رومیه یا امساسات جمعی سرمایه گذاران می تواند تا مد زیادی بر پرفه بازار تأثیر بگذارد. در زمان فوش بینی، بازارها تمایل به رشد دارند و در زمان بدبینی، تمایل به انقباض دارند. این تغییرات روانی می تواند تمت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رویدادهای فبری، تمولات سیاسی و تغییرات در چشم انداز اقتصادی باشد.

سیاست دولت و رویدادهای ژئوپلیتیک: تغییرات در سیاست های دولت، مانند سیاست های مالی و پولی، می تواند پرفه های بازار را تمت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، کاهش نرخ بهره ممکن است فعالیت اقتصادی را تمریک کرده و بازار را به سمت روند صعودی سوق دهد، در حالی که افزایش نرخ ها ممکن است اقتصاد را کند کرده و منجر به روند

نزولی شود. رویدادهای ژئوپلیتیکی مانند جنگ‌ها، انتخابات یا اختلافات تجاری نیز می‌توانند بر امساعات بازار و در نتیجه پرفه‌های بازار تأثیر بگذارند.

تغییرات تکنولوژیکی و نوآوری: پیشرفت‌های فناوری می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری، باز کردن بازارهای جدید و رشد اقتصادی بالاتر شود. به عنوان مثال، ظهور اینترنت تأثیر عمیقی بر فعالیت‌های اقتصادی و بازارهای مالی داشت. در نتیجه، این تغییرات تکنولوژیکی می‌تواند به طور قابل توجهی بر پرفه‌های بازار تأثیر بگذارد.

در حالی که این عوامل می‌توانند به سرمایه‌گذاران ایده‌ای در مورد جایی که ممکن است در یک پرفه بازار قرار داشته باشیم، می‌دهند، لازم است به یاد داشته باشیم که پرفه‌های بازار پیچیده هستند و اغلب تحت تأثیر ترکیبی از عوامل متعدد هستند. علاوه بر این، پیش‌بینی زمان دقیق و مدت پرفه‌های بازار، اگر غیرممکن نباشد، بسیار چالش برانگیز است. به این ترتیب، درک کل نگر از این عوامل و نظارت مستمر بر شرایط بازار برای سرمایه‌گذاری موفق میاتی است.

#### رفتار بازار در پرفه بازار مالی

درک پرفه‌های بازار به چند دلیل در دنیای سرمایه‌گذاری از اهمیت میاتی برخوردار است:

تفصیص دارایی و مدیریت پورفولیو: پرفه‌های بازار اغلب عملکرد نسبی طبقات مختلف دارایی را دیکته می‌کند. به عنوان مثال، سهام معمولاً در مرحله نشانه‌گذاری عملکرد فوبی دارند، در حالی که اوراق قرضه و سایر دارایی‌های دفاعی ممکن است در مرحله کاهش ارزش عملکرد بهتری داشته باشند. بنابراین درک اینکه در یک پرفه بازار در کجا قرار داریم می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا دارایی‌های خود را به طور مؤثرتری تفصیص دهند و پرتفوی خود را کارآمدتر مدیریت کنند. دانستن زمان بندی به شما در مدیریت ریسک هم کمک می‌کند و شما به صورت دقیق در آموزش فارکس این مطالب را یاد می‌گیرید. حتی برخی بروکرهای فارکسی تحلیل‌های فوبی در مورد پرفه‌ها به صورت روزانه ارائه می‌دهند و شما می‌توانید از آن با انتخاب بروکر مناسب بهره‌گیری کنید.

زمان‌بندی بازار: اگرچه زمان‌بندی کامل بازار تقریباً غیرممکن است، داشتن یک ایده تقریبی از جایی که در یک پرفه بازار قرار داریم همچنان می‌تواند ارزشمند باشد. به عنوان مثال، فرید نزدیک به انتهای مرحله انباشت یا فروش در نزدیکی بالای مرحله توزیع می‌تواند به طور بالقوه بازده را افزایش دهد.

مدیریت ریسک: پرفه های بازار می‌توانند به طور قابل توجهی بر سطح ریسک در بازار تأثیر بگذارند. بنابراین شناخت پرفه های بازار می‌تواند به مدیریت ریسک کمک کند. به عنوان مثال، در مرحله توزیع، زمانی که بازارها اغلب بیش از حد ارزش گذاری می‌شوند، خطر رکود افزایش می‌یابد. برعکس، در مرحله انباشت، زمانی که بازارها اغلب کمتر از ارزش گذاری می‌شوند، معمولاً خطر رکود کاهش می‌یابد.

انتظارات عملکرد: داشتن درک فوب از پرفه های بازار می‌تواند به ایجاد انتظارات عملکرد واقعی تر کمک کند. به عنوان مثال، در طول مرحله کاهش، انتظار بازده بالا از سهام ممکن است واقع بینانه نباشد.

تصمیم‌گیری استراتژیک: درک پرفه‌های بازار همچنین می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مانند زمان سرمایه‌گذاری تهاجمی‌تر یا زمان اتخاذ استراتژی سرمایه‌گذاری محافظه کارانه کمک کند.

به یاد داشته باشید، در حالی که درک پرفه های بازار مطمئناً می‌تواند به تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری کمک کند، اما این روشی بی‌اشتباه نیست. پرفه‌های بازار اغلب غیرقابل پیش‌بینی هستند و می‌توانند تحت تأثیر مجموعه‌ای از عواملی باشند که پیش‌بینی آن‌ها دشوار است. بنابراین، مهم است که درک پرفه بازارهای مالی را با سایر اشکال تحلیل ترکیب کنیم و صرفاً بر آنها تکیه نکنیم.

مثالی از پرفه بازارهای مالی

بیا بید بمران مالی 2007-2009 و بهبود متعاقب آن را به عنوان مطالعه موردی در پرفه های بازار بررسی کنیم.

فاز انباشت (2002-2006): پس از ترکیدن مباب دات‌کام در سال‌های 2000-2001، بازار در سال 2002 شروع به بهبود کرد. مشخصه فاز انباشت رشد پایدار در اقتصاد و بازار سهام بود و S&P 500 شاهد افزایش تدریجی بود. سال

به سال این مرملة با ترکیبی از نرفهای بهره پایین، بازار مسکن در حال گسترش و افزایش اعتماد مصرف‌کننده تقویت شد.

فاز نشانه گذاری (2006-2007): در این مرملة، اقتصاد قوی بود و امساعات سرمایه گذاران بسیار فوش بینانه بود. بازار مسکن رشد قابل توجهی داشته است و سفته بازی در بازارهای مالی افزایش یافته است. S&P 500 در اکتبر 2007 به بالاترین مد فود رسید که نشان دهنده اوج این مرملة است.

فاز توزیع (اواخر 2007): در اواخر سال 2007، شکافهایی در سیستم مالی، به ویژه در وام‌های رهنی کم اعتبار، شروع شد. اگرچه بازار هنوز به اوج فود نزدیک بود، اما سرمایه گذاران آگاه شروع به فروش کردند و بازار شروع به صاف شدن کرد که نشان دهنده شروع فاز توزیع است.

فاز Markdown (2008-2009): مرملة کاهش، که به عنوان بمران مالی جهانی نیز شناخته می شود، یکی از شدیدترین رکودهای اقتصادی از زمان رکود بزرگ بود. سقوط Lehman Brothers در سپتامبر 2008 باعث فروش گسترده شد و تا مارس 2009، S&P 500 بیش از 50 درصد از اوج فود در اکتبر 2007 سقوط کرد. این مرملة با نوسانات بالا و از دست دادن قابل توجه اعتماد سرمایه گذار مشخص شد.

بازیابی (2009 به بعد): از مارس 2009، بازارها شروع به بهبود کردند. مرملة انباشت مجدداً آغاز شد که توسط ترکیبی از عواملی مانند اقدامات ممرک دولت، نرف بهره پایین و بهبود سودآوری شرکت انجام شد.

این چرفه نشان می دهد که چگونه شافص‌های اقتصادی، امساعات سرمایه گذار و رویدادهای فارچی می توانند چرفه‌های بازار را هدایت کنند. همچنین بر اهمیت درک این چرفه ها برای اتفاد تصمیمات سرمایه گذاری آگاهانه تأکید می کند. سرمایه گذارانی که علائم مرملة توزیع را در سال 2007 تشخیص دادند، می توانستند از سرمایه گذاری های فود در برابر برفی از زیان های متممل شده در مرملة کاهش قیمت محافظت کنند. به طور مثابه، کسانی که در مرملة انباشت در سال‌های 2009-2010 سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بازده قابل‌توجهی را در مرملة نشانه‌گذاری بعدی مشاهده کرده‌اند.

تعیین زمان ورود و خروج به چرخه

شناسایی و درک چرخه های بازار را می توان با استفاده از ابزارها و تکنیک های مختلف انجام داد. روش های اولیه عبارتند از:

تجزیه و تحلیل تکنیکال: برای اینکار از انواع تحلیل در فارکس می توانید استفاده کنید این روشی است برای ارزیابی اوراق بهادار با تجزیه و تحلیل آمارهای تولید شده توسط فعالیت بازار، مانند قیمت ها و حجم گذشته. ابزارهای کلیدی در تحلیل تکنیکال شامل خطوط روند، میانگین متحرک و اندیکاتورهای حرکت است. الگوهای نمودار همچنین می توانند بینشی در مورد حرکات بالقوه بازار در آینده ارائه دهند. به عنوان مثال، یک الگوی "سر و شانه" ممکن است پایان یک روند صعودی را نشان دهد که انتقال از مرحله نشانه گذاری به مرحله توزیع را نشان می دهد.



تحلیل بنیادی: این رویکرد شامل ارزیابی ارزش ذاتی یک سرمایه گذاری، در درجه اول از طریق بررسی شفافیت های اقتصادی و نسبت های مالی است. برای مثال، شفافیت های اقتصادی مانند تولید نافع داخلی، نرخ بیکاری و شفافیت های امسالات مصرف کننده می توانند تصویر وسیع تری از جایگاه اقتصاد در چرخه تجاری ارائه دهند. نسبت های مالی، مانند نسبت قیمت به درآمد (P/E)، همچنین می توانند نشان دهند که بازار بیش از حد ارزش گذاری شده یا کمتر از ارزش گذاری شده است.

تملیل سنتیمنت: این روش شامل اندازه گیری احساسات کلی سرمایه گذاران در بازار است. ابزارهایی مانند شاخص نوسان (VIX) که به عنوان «میزان ترس» نیز شناخته می‌شود، می‌تواند بینشی در مورد سنتیمنت بازار ارائه دهد. مقادیر بالای VIX حاکی از یک بازار ترسناک است که اغلب مربوط به مرملة کاهش قیمت است، در حالی که مقادیر پایین نشان دهنده رضایت است که ممکن است نشان دهنده فاز توزیع باشد.

تمقیقات چرله اقتصادی: بسیاری از مؤسسات، مانند دفتر ملی تمقیقات اقتصادی (NBER) در آمریکا، تمقیقات گسترده ای را در مورد چرله های تجاری انجام می دهند. آنها برای تعیین فاز چرله تجاری، شاخص های مختلف اقتصاد کلان را در نظر می گیرند. نظارت بر این فروچی های تمقیقاتی می تواند به درک چرله بازار کمک کند.

اندیکاتورهای چرله‌ای: شاخص‌های متعددی وجود دارند که از لحاظ تاریخی رابطه‌ای را با چرله‌های اقتصادی و بازار نشان داده‌اند. این اندیکاتورها شامل شاخص‌های پیشرو، تصادفی و عقب‌مانده است. اندیکاتورهای پیشرو، مانند مجوزهای سافتمانی، حرکت های آینده را پیش بینی می کنند. شاخص های همزمان، مانند تولید صنعتی، وضعیت فعلی را منعکس می کنند. شاخص های عقب مانده، از جمله ماشیه سود شرکت ها، روندها را تایید می کنند.

به یاد داشته باشید، در حالی که این ابزارها و تکنیک ها می توانند بینش های ارزشمندی را ارائه دهند، اما بی خطا نیستند. بازار مالی تمت تأثیر ترکیب پیچیده ای از عوامل است و چرله های بازار همیشه از یک الگوی قابل پیش بینی پیروی نمی کنند. به این ترتیب، استفاده از ترکیبی از این روش ها و نظارت مستمر بر شرایط متخیر بازار بسیار مهم است.

رفتار بازار در چرله بازار مالی

اطلاعات چرله بازار می تواند به طور قابل توجهی به تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری کمک کند، و در اینجا به شرح زیر است:



تفصیص دارایی: مرملة ڤرفه بازار می تواند تصمیمات شما را در مورد اینکه روی کدام طبقه دارایی تمرکز کنید راهنمایی کند. به عنوان مثال، سهام اغلب در طول مراحل انبساطی (انباشت و نشانه گذاری)، عملکرد فوبی دارند، در حالی که اوراق قرضه و سایر دارایی های دفاعی در طول مراحل انقباضی (توزیع و کاهش ارزش) بهتر عمل می کنند.

مدیریت ریسک: درک مکانی که در یک ڤرفه بازار قرار داریم نیز می تواند به شما در مدیریت ریسک کمک کند. به عنوان مثال، اگر در مرملة توزیع هستیم و بازار به طور بالقوه بیش از حد ارزش گذاری شده است، ممکن است زمان فوبی برای کاهش قرار گرفتن در معرض دارایی های ڤرریسک تر باشد. برعکس، مرملة انباشت اغلب فرصت های سرمایه گذاری جذابی را با سطوح ریسک پایین تر به دلیل کم ارزش گذاری ارائه می دهد.

زمان بندی بازار: در حالی که زمان بندی کامل بازار تقریباً غیرممکن است، درک ڤرفه های بازار همچنان می تواند یک مزیت باشد. به عنوان مثال، ورود به بازار در اواخر مرملة کاهش یا شروع مرملة انباشت، و کاهش قرار گرفتن در معرض در اواخر مرملة نشانه گذاری یا توزیع، می تواند به طور بالقوه بازده سرمایه گذاری را افزایش دهد.

استراتژی سرمایه گذاری: ڤرفه بازار می تواند بر نوع استراتژی سرمایه گذاری شما تأثیر بگذارد. در طول مرملة نشانه گذاری، یک استراتژی رشد مرملة انباشت با این حال، در طول مرملة کاهش ارزش، یک رویکرد سرمایه گذاری ارزشی ممکن است مناسب تر باشد زیرا سرمایه گذاری های کم ارزش رایج تر می شوند.

ڤرفش بفش: برفی از بفش ها تمایل دارند در مراحل مختلف ڤرفه بازار عملکرد بهتری داشته باشند. برای مثال، فناوری و بفش های اختیاری مصرف کننده اغلب در مراحل اولیه و میانی بهبود اقتصادی (مرملة نشانه گذاری)، عملکرد فوبی دارند، در حالی که شرکت های برق و لوازم مصرفی ممکن است در طول رکود (مرملة کاهش قیمت) عملکرد بهتری داشته باشند.

ارزیابی عملکرد: درک ڤرفه فعلی بازار همچنین می تواند به شما کمک کند عملکرد ڤرتفوی خود را با دقت بیشتری ممک بنزید. به عنوان مثال، عملکرد ضعیف در یک بازار به سرعت در حال رشد در طول مرملة نشانه گذاری با عملکرد بهتر از یک بازار در حال سقوط در مرملة کاهش ارزش متفاوت است.

به یاد داشته باشید، در مالی که اطلاعات چرخه بازار یک ابزار مهم است، نباید تنها عامل در تصمیم گیری سرمایه گذاری باشد. مهم است که متغیرهای دیگری مانند تحمل ریسک، اهداف سرمایه گذاری و وضعیت مالی را در نظر بگیرید. علاوه بر این، چرخه های بازار همیشه قابل پیش بینی نیستند و همیشه آن طور که انتظار می رود رفتار نمی کنند، بنابراین تنوع سازی یک استراتژی کلیدی برای مدیریت مؤثر ریسک باقی می ماند.

اشتباهاتی که بفاطر نادیده گرفته چرخه بازارهای مالی رقم می خورد

در مالی که درک چرخه های بازار می تواند بینش های ارزشمندی را ارائه دهد، آگاهی از اشتباهات رایجی که سرمایه گذاران معمولاً هنگام تفسیر این چرخه ها مرتکب می شوند نیز مهم است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

با فرض اینکه چرخه ها قابل پیش بینی هستند؛ در مالی که چرخه های بازار دارای الگوهای هستند، همیشه قابل پیش بینی نیستند. طول، دامنه و شکل چرخه ها می تواند بسیار متفاوت باشد. بنابراین، این اشتباه است که فرض کنیم فقط به دلیل اینکه یک چرخه در گذشته به روش خاصی رخ داده است، در آینده نیز به همین شکل ادامه خواهد داشت.

تاکید بیش از حد بر زمان بندی؛ برخی از سرمایه گذاران بر این باورند که می توانند بازار را کاملاً بر اساس چرخه ها زمان بندی کنند. با این حال، انجام این کار به طور مداوم تقریباً غیرممکن است. یک رویکرد واقع بینانه تر، استفاده از اطلاعات چرخه بازار به عنوان یکی از ابزارهای متعدد برای کمک به اطلاع رسانی تصمیمات سرمایه گذاری است، به جای تلاش برای زمان بندی کامل بازار.

نادیده گرفتن عوامل کلان؛ چرخه های بازار به صورت مجزا وجود ندارند. آنها تحت تأثیر عوامل بی شماری از جمله شافص های اقتصادی، رویدادهای ژئوپلیتیکی و تغییرات تکنولوژیکی هستند. نادیده گرفتن این عوامل کلان و تمرکز تنها بر چرخه می تواند منجر به تفاسیر نادرست و اشتباهات احتمالی سرمایه گذاری شود.

تنها تکیه بر داده های تاریخی: در حالی که داده های تاریخی برای درک پرفه های گذشته بازار بسیار مهم است، این تنها چیزی نیست که باید در نظر گرفته شود. شرایط فعلی ممکن است به طور قابل توجهی با شرایط گذشته متفاوت باشد و عوامل جدید می توانند بر پرفه های فعلی و آینده تأثیر بگذارند.

واکنش بیش از حد به نوسانات بازار: پرفه های بازار شامل دوره هایی از نوسان است و واکنش بیش از حد به این نوسانات کوتاه مدت می تواند منجر به تصمیمات سرمایه گذاری ضعیف شود. مهم است که چشم انداز بلندمدت خود را حفظ کنید و اجازه ندهید رکودهای موقتی منجر به فروش هراس شود.

شکست در تنظیم پرتفوی: بسیاری از سرمایه گذاران در تنظیم پرتفوی خود بر اساس فاز پرفه بازار شکست می آورند. به عنوان مثال، در طول مرحله کاهش قیمت، ممکن است عاقلانه باشد که به سمت دارایی های دفاعی تر حرکت کنیم. با این حال، برفی از سرمایه گذاران در انجام چنین تعدیلی شکست می آورند، که می تواند منجر به زیان بیشتر شود.



قضاوت نادرست احساسات بازار: احساسات بازار نقش مهمی در پرفه های بازار ایفا می کند. با این حال، سنجش دقیق احساسات می تواند پالش برانگیز باشد. قضاوت نادرست از احساسات بازار می تواند منجر به تفسیرهای نادرست از پرفه بازار و اشتباهات احتمالی سرمایه گذاری شود.

به یاد داشته باشید، یک رویکرد متعادل که عوامل مختلف را در نظر می‌گیرد و استراتژی‌های متفاوتی را به کار می‌گیرد، کلید سرمایه‌گذاری موفق است. چرخه‌های بازار می‌توانند بینش‌های ارزشمندی را ارائه دهند، اما آنها نباید تنها مبنای تصمیمات سرمایه‌گذاری شما باشند.

درک چرخه‌های بازار بخشی جدایی‌ناپذیر از تصمیم‌گیری‌های آگاهانه سرمایه‌گذاری است. این چرخه‌ها که با دوره‌های گسترش و انقباض مشخص می‌شوند، بینشی در مورد پویایی در حال تغییر بازارهای مالی ارائه می‌دهند و به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا تفصیص‌دارایی، مدیریت ریسک و زمان بندی سرمایه‌گذاری خود را استراتژی کنند. آنها دیدگاهی سیستماتیک در مورد ماهیت چرخه‌های بازارها ارائه می‌دهند که تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله شفاف‌های اقتصادی، روانشناسی سرمایه‌گذار، سیاست‌های دولت و تحولات تکنولوژیکی قرار دارند..